

رهبری امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی؛ ویژگی‌های رهبری امام خمینی (ره) در فرآیند انقلاب اسلامی

سید محمد جواد قربی^۱

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ در میان انقلاب‌های بی‌روح و سکولار، به مثابه یک انفجار نور بود که شعاع معنویت آن به سایر قاره‌ها رسوخ کرد. آنچه در این میان حائز اهمیت است نقش بسیار مؤثر و کاربردی حضرت امام خمینی (ره) به عنوان یک رهبر دینی و مذهبی در فرآیند انقلاب اسلامی ایران است که توانست این کشتی متلاطم را به ساحل نجات رهنمون سازد. ایشان توانستند قشرها و گروه‌های مختلف مذهبی و غیر مذهبی را مدیریت کنند و در مقابل آسیب‌ها و چالش‌های داخلی و تهدیدات خارجی، انقلاب اسلامی را واکسینه کنند؛ به گونه‌ای که خیلی از نظریه پردازان و استراتژیست‌ها به الگوگیری از روش امام راحل و دستاورد ایشان یعنی انقلاب اسلامی پرداختند. امام خمینی (ره) در فرآیند انقلاب، ضمن مدیریت قلوب و بسیج همگانی توانستند با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد خویش، تمامی منابع و سرمایه‌های اجتماعی و انسانی را هدایت و راهبری کنند؛ طوری که به مثابه یک الگو

۱. کارشناس ارشد اندیشه سیاسی اسلام





و اسوه برای آیندگان قرار گرفتند. رهبری امام خمینی (ره) را می‌توان در دوره‌های متفاوت تقسیم‌بندی نمود که در آنها، امام (ره) از الگوهای مدیریت سیاسی متنوعی بهره می‌جستند. پژوهش حاضر خواهان این است با بهره‌گیری از روش اسنادی-تحلیلی به بررسی نقش امام خمینی (ره) و رهبری پیامبرگونه ایشان در فرآیند انقلاب اسلامی بپردازد. سازماندهی این پژوهش به این قرار است که بعد از بررسی مفهوم رهبری در ادبیات سیاسی و منظومه اندیشه سیاسی اسلام، به نقش تاریخ‌ساز رهبری امام خمینی (ره) در فرآیند انقلاب اسلامی پرداخته خواهد شد و در عین حال دوره‌های رهبری امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش پایانی، بعد از پرداختن به مدل رهبری قلوب امام خمینی (ره) و الگوی مدیریت سیاسی ایشان در فرآیند انقلاب اسلامی، اصول و ویژگی‌های رهبری امام در فرآیند انقلاب اسلامی مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: رهبر، رهبری دینی، مدیریت سیاسی، امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی، مدیریت قلوب.

مقدمه

امام خمینی (ره) اندیشه‌ورزی ذوالفنون بودند که در ساحت‌های گوناگون معرفت، به تلاش فکری و عملی پرداختند و آثار ارجمندی در دانش‌های مختلف از خود به جای گذاشتند. نظریه‌ها و آرای عملی ایشان در حوزه فقه، اصول، فلسفه، عرفان، اختلاف، سیاست، تفسیر و علوم قرآنی، رجال و درایه و مباحث اجتماعی از جایگاه والایی برخوردار است و با توجه به نقش رهبری انقلاب اسلامی و تحول شگرف سیاسی در ایران و تأسیس نظام جمهوری اسلامی در این کشور، و بازتاب گسترده آن در جهان به طور عام و جهان اسلام به طور خاص و نقش قابل مطالعه ایشان در تحول اندیشه‌ها و آرای سیاسی و پیدایش دکترین‌های جدیدی که به گونه‌ای با عمل و رفتار سیاسی مشارالیه و نظریات ایشان ارتباط پیدا می‌کند، موجب گشتند اندیشه و عمل ایشان مورد توجه پژوهشگران و محققان داخلی و خارجی قرار گیرد.^۱ یکی از ویژگی‌های بارز در عمل امام خمینی (ره)، رهبری ایشان است. رهبری امام خمینی (ره) در میان عوامل معنوی و فرهنگی تأثیرگذار در دفاع مقدس، از برجسته‌ترین‌ها می‌باشد.

رمز شکوفایی باورها و ارزش‌های معنوی در ملت بزرگ ایران و تأثیر سترگ این باورها

۱. محمد سپهری، استراتژی دفاعی در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران، عروج، ۱۳۸۴، ص ۱.

و ارزش‌ها در پیروزی‌های حماسه دفاع مقدس را باید در نفعات الهی و سخنان ربانی احیاگر فرهنگ اسلام ناب محمدی در عصر حاضر، حضرت امام خمینی (ره) جست‌وجو کرد. شخصیت معنوی و نافذ حضرت امام با داشتن ویژگی‌های اخلاقی برجسته‌ای که مجموع آنها را به ندرت می‌توان در انسان یافت و نیز عشق و محبت و صف‌ناپذیر رزمندگان اسلام به ایشان که از باورهای ژرف آنان سرچشمه می‌گرفت، از امام (ره)، رهبری بی‌بدیل ساخته بود که سیره نظری و عملی ایشان در دفاع مقدس تأثیری عمیق و انکارناپذیر بر جای نهاد. هنر بزرگ رهبری حضرت امام (ره) در دوران

رمز شکوفایی باورها و ارزش‌های معنوی در ملت بزرگ ایران و تأثیر سترگ این باورها و ارزش‌ها در پیروزی‌های حماسه دفاع مقدس را باید در نفعات الهی و سخنان ربانی احیاگر فرهنگ اسلام ناب محمدی در عصر حاضر، حضرت امام خمینی (ره) جست‌وجو کرد. شخصیت معنوی و نافذ حضرت امام با داشتن ویژگی‌های اخلاقی برجسته‌ای که مجموع آنها را به ندرت می‌توان در انسان یافت و نیز عشق و محبت و صف‌ناپذیر رزمندگان اسلام به ایشان که از باورهای ژرف آنان سرچشمه می‌گرفت، از امام (ره)، رهبری بی‌بدیل ساخته بود که سیره نظری و عملی ایشان در دفاع مقدس تأثیری عمیق و انکارناپذیر بر جای نهاد

هشت سال دفاع مقدس جلوه‌گر شد. ایشان با نگرشی معنوی، قوای روحی و معنوی ملت را برای آفریدن حماسه پرشکوه و شگفت‌انگیز دفاع مقدس بسیج کردند و انسان‌هایی را تربیت کردند که قالب‌های محدود و تنگ جهان مادیت را در هم شکستند و به فراخنای بی‌انتهای عالم معنویت راه یافتند.^۱

به همین علت است که امام خمینی (ره) را رهبر یک نهضت بزرگ اسلامی می‌دانند که بزرگ‌ترین نهضت دوران معاصر یا یکی از نهضت‌های بزرگ دنیا در چند سده اخیر می‌باشد.^۲

از این رو، برای بررسی اندیشه امام (ره) نسبت به انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ضرورتاً باید به شیوه رهبری ایشان توجه نماییم. زیرا همین رهبری دینی امام بود که انقلاب را به پیروزی رساند، نظام جمهوری را بر اساس اسلام و ارزش‌های آن پایه‌ریزی کرد، جنگ را هدایت کرد و در حقیقت با هدایت، رهبری و مواضع روشن و صریح خود در همه زمینه‌ها، توانست معجزه‌ای در قرن اخیر بیافریند. رهبری دینی امام (ره)، متأثر از

۱. حسین شیدائیان، رهبری امام خمینی (ره)، قم، مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۸-۱۷.

۲. سید محمد خاتمی، «متن سخنرانی در مراسم افتتاحیه کنگره ایدئولوژی، رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی»، ایدئولوژی، رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی، تهران، عروج، ۱۳۸۲، ص ۲، ج ۱.





اسلام و قرآن است یعنی شیوه‌ای که پیامبران الهی داشتند.^۱ در همین راستا، تحلیل زیر توسط نویسنده مقاله «زندگی عرفانی و رهبری معنوی امام خمینی (ره)» گویای همه چیز است:

چهارده قرن پس از بعثت نبی مکرم اسلام، مردی از پرورش یافتگان مکتب راستین او از مشرق زمین برخاست و با تأسی از منش و روش صالحان برگزیده خدا، بسان جدش حسین بن علی (ع) در برابر منکر مسلم دوران و همه طواغیت زمان، سر و گونه قد برافراشت و طومار تباهی و ظلم را در هم پیچید. امام خمینی (ره)، مانند مقتدایش حضرت محمد بن عبدالله (ص)، کنگره‌های ظلمت‌کده انزوا و مهجوریت دین، ایمان و یکتاپرستی در جهان معاصر را به لرزه درآورد و نسیمی جان افروغ بر جان‌های خسته بندگان طالب حق دمید و به این ترتیب انقلابی را رهبری کرد که به تعبیر دانشمند سرشناس کانادایی - رابرت کالستون - معجزه‌ایست که از سوی خداوند حمایت می‌شود. این اعجاز بزرگ قرن بارهبری امام خمینی (ره) به حقیقت پیوست و اولین پیروزی مسلمین بر غرب، از قرن شانزدهم به این طرف محسوب می‌شود.^۲

با این تفاسیر، ویژگی و اهمیت رهبری امام خمینی (ره) بر همگان آشکار می‌گردد. از این رو، پژوهش حاضر مترصد است با بهره‌گیری از روش اسنادی کتابخانه‌ای به بررسی ویژگی‌های رهبری امام خمینی (ره) بپردازد.

چهار چوب مفهومی

مفهوم رهبری

پدیده رهبری در علوم سیاسی، غالباً ذیل مطالعات فرهنگ و جامعه‌شناسی سیاسی بررسی می‌شود. البته فرهنگ سیاسی وجهی از دانش سیاسی است که بیشتر امکان میان‌رشته‌ای مطالعه کردن برخی موضوعات این دانش را هم فراهم می‌آورد.^۳ برای رهبری تعاریف متعددی بیان شده که در اغلب آنها، مفهوم نفوذ وجود دارد. هارولد

۱. موسوی، «شیوه رهبری امام خمینی (ره)»، سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی (ره)، تهران، دفاع، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۳۰.

۲. سید مجید امامی، «احیای روابط امت و امام، تحلیل و بررسی مبانی و اصول دینی و نظری رابطه امام خمینی (ره) با مردم در انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی ابعاد رهبری حضرت امام خمینی (ره)، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۳۷.

۳. همان، ص ۵۱۹.

رهبری دینی امام بود که انقلاب را به پیروزی رساند، نظام جمهوری را بر اساس اسلام و ارزش‌های آن پایه‌ریزی کرد، جنگ را هدایت کرد و در حقیقت با هدایت، رهبری و مواضع روشن و صریح خود در همه زمینه‌ها، توانست معجزه‌ای در قرن اخیر بیافریند. رهبری دینی امام (ره)، متأثر از اسلام و قرآن است

کونتز، رهبری را با نفوذ برابر دانسته و معتقد است که رهبری عبارت است از: هنر یا فرآیندی که با نفوذ کردن در افراد آنان را به طور داوطلبانه در راستای وصول به اهداف گروه به تلاش و می‌دارد. آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی می‌نویسد: «رهبری پدیده تبلور رفتارها، ممارست و پویایی یک گروه را تحت تأثیر یک رهبر می‌رساند. از این رو رهبری مستلزم برخورداری از ویژگی‌های طبیعی یک رئیس (اقتدار، استعدادهای موجه، محبت و حتی در مواردی برتری جسمانی است) می‌باشد.» ماکس وبر سه نوع رهبری را معرفی می‌کند: رهبری سنتی که ناشی از رسم،

عادت و سنت است؛ نظیر نظام‌های سلطنتی. رهبری عقلانی-قانونی که بر مبنای قانونی بودن مقرراتی است که به شیوه‌های عقلانی وضع شده است. رهبری کاریزماتیک که ناشی از اعتقاد به ویژگی‌های استثنایی شخصی است که دستور می‌دهد و افراد دستورات مافوق را به علت نفوذ شخصیت او می‌پذیرند؛ نظیر پیامبران و ناجیان. وبر به عنوان کاشف فره ایزدی معتقد است چنین رهبرانی اقتدار خود را نه از سنت و نه از عقل‌گرایی می‌گیرند بلکه بیشتر به رسالت و الهام الهی خود مدیون هستند.^۱ این تعاریفی که از رهبری می‌شود، عموماً قادر نیستند که جزئیات روابط عاطفی رهبر و اعضای گروهش را به درستی توضیح دهند. همان‌گونه که در تعاریف رهبری ملاحظه می‌شود، مهم‌ترین نکته در رهبری، جهت دادن و نفوذ بر پیروان است. به بیان دیگر، قدر مشترک بیشتر تعریف‌های رهبری، بازتاب این فرض است که رهبری، متضمن فرآیند نفوذ اجتماعی است که به این صورت که یک شخص، نفوذ عمدی بر دیگر افراد اعمال می‌کند تا به فعالیت‌ها و روابط درون گروه یا سازمان، ساختار دهد.^۲ در نهایت رهبری را نباید تنها فرآیند خاص، برای کسانی که سطوح بالای سازمان را اشغال می‌کنند، انگاشت. فرآیند رهبری، ابعاد، قالب‌ها و محتوای متفاوتی را می‌تواند دارا باشد. یک کارگر هم باید رهبری کند و یک مدیر عامل نیز باید رهبری کند و وجوه افتراق آنها در تعداد پیرو، ماهیت

۱. فاطمه ابراهیمی، «ابعاد رهبری معنوی امام خمینی (ره)»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی ابعاد رهبری حضرت امام خمینی (ره)، همان، ص ۳۷۶.
 ۲. سعید خورشیدی، «اصول و رهبری امام خمینی (ره) از دیدگاه مقام معظم رهبری»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی ابعاد رهبری حضرت امام خمینی (ره)، همان، ج ۲، ص ۵۱۳.





رهبری در فرهنگ شیعی، نه تنها زاینده شرایط و مقتضیات زندگی اجتماعی نیست بلکه یک احتیاج اصیل بشری است. این اندیشه به مبنای عقیدتی اسلام باز می‌گردد زیرا اصل ضرورت رهبری را باید در جهان بینی اسلامی جست‌وجو کرد

اهدافی که می‌خواهند تحقق بخشند و شرایطی که درون آن قرار دارند است و الا از جنبه فرآیند، رهبری یکسان است.^۱ در یک جمع‌بندی کلی، ویژگی‌های زیر به عنوان اشتراکات رهبری وجود دارد:

۱. رهبری یک فرآیند است؛ بدین معنا که در طول زمان اتفاق می‌افتد و در نتیجه ارتباطات و مراوده یا ارتباط با دیگران. به عبارت بهتر، کلید رهبری و نفوذ در دیگران ارتباطات است. ارتباطات به معنای مهارت‌های کلامی و غیر کلامی و نفوذ از طریق قدرت بیان، قدرت استدلال و گوش کردن.

۲. رهبری با تغییر آمیخته است؛ بدین معنا که هم مدیر و هم رهبر هر دو مأمور تغییر هستند، تغییری که وضع را از گذشته بهتر می‌کند. منتهی مراتب تغییرات مدیریتی در چهارچوب قواعد و مقررات سازمان و بر اساس تغییر در ساختار و تکنولوژی به وقوع می‌پیوندد ولی تغییرات ناشی از رهبری در نتیجه تحول و دگرگونی در منابع انسانی و تغییر در باورها، ارزش‌ها و اعتقادات.

۳. رهبری در داخل یک گروه اتفاق می‌افتد؛ بدین معنا که تغییر شامل دو نفر بیشتر می‌شود. لذا رهبری در گروه اتفاق می‌افتد یعنی تأثیر و نفوذ بر دو نفر بیشتر.

۴. رهبری هدفمند است؛ بدین معنا که رهبران هدفمند هستند. منتهی مراتب اینکه زمانی رهبری اتفاق می‌افتد که هدف رهبران با نیاز پیروان بر هم منطبق می‌شوند. بر این اساس اجزای رهبری عبارت است از: «اثری که یک فرد بر گروهی از افراد برای دست‌یابی به هدف مشترک عمومی می‌گذارد».^۲

رهبری در منظومه اندیشه‌های اسلامی

در هر نظام حکومتی، یک فرد با جایگاه و عنوان مشخص در رأس هرم قدرت قرار می‌گیرد. این شخص در نظام‌های سلطنتی موروثی، پادشاه و در نظام جمهوری، رئیس‌جمهور و در نظام جمهوری اسلامی، رهبر نامیده می‌شود. با بررسی دقیق قوانین اساسی تعداد قابل توجهی از نظام‌های دموکراتیک غربی، متوجه می‌شویم برای کسانی

۱. جمال یزدانی، «بررسی انواع پیروان حضرت امام خمینی (ره) و رابطه ایشان با آنها پیش از انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی ابعاد رهبری حضرت امام خمینی (ره)، همان، ص ۱۵۱.
 ۲. سید علی اکبر افجه‌ای، «رهبری یعنی خدمت‌گذاری»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی ابعاد رهبری حضرت امام خمینی (ره)، همان، ج ۱، ص ۱۳-۱۲.



که به بالاترین مقام حکومتی یعنی ریاست جمهوری دست می‌یابد، هیچ‌گونه صفات و شرایطی جز کسب آرای عمومی و نظر اکثریت، دارا بودن سن معین، تابعیت و اقامت به مدت معینی در خاک کشور مورد نظر، در نظر گرفته نشده است و به عبارت دیگر، صفات و خصوصیتی حداقلی و بدون توجه به ارزش‌های اخلاقی، معیارهای دینی و حتی کاردانی و مدیریت برای عالی‌ترین مقام حکومتی، مطرح شده است. این در حالی است که در جمهوری اسلامی، صفات و شرایط متعالی و حداکثری از لحاظ ارزشی و اخلاقی، معیارهای دینی و حتی از نظر کارایی و کارآمدی برای رهبری در نظر گرفته شده است که در مقایسه با نظام‌های دموکراتیک غربی، برتری، حساسیت و هوشمندی خارق‌العاده این نظام را در انتخاب بالاترین مقام حکومتی به اثبات می‌رساند.^۱ به همین دلیل، رهبری در نظام‌های اسلامی و ارزشی یک عنصر اساسی و هدایت‌کننده برای قدرت ملی کشور در مقاطع بحرانی و تحولات سیاسی و اجتماعی است.^۲ مدیریت و رهبری در نظام توحیدی با آنچه در غرب رایج شده تفاوت دارد:

در جوامع غیر دینی، مدیران از دانش و فن مدیریت به عنوان ابزار کارآمد برای دستیابی به خواسته‌های مادی و نفسانی مانند پول، قدرت، شهرت و حتی هویت استفاده می‌کنند، اما در نظام ارزشی اسلام، چون هدف اساسی دستیابی به قرب و رضای خداوند است و نه تأمین هدف‌های زودگذر و میان‌تهی، انگیزه‌های رهبران و مدیران چیز دیگری است. رهبر در نظام توحیدی، در پی ادای وظیفه و ایفای مسئولیت می‌باشد. البته باید توجه داشت که رهبران دینی برای رسیدن به اهداف مادی نیز تلاش می‌کنند ولی جهت‌دهی آنان همواره به سوی قرب و رضایت حق تعالی است.^۳

دقیق‌ترین واژگانی که در فرهنگ اسلامی بر مفهوم رهبر و رهبری منطبق است، واژگان امام و امامت است. درباره مفهوم امام که واژه‌ای عربی است، آمده است: «امام یعنی پیشرو و پیشوای مردم در فضائل». از این رو امام کسی است که انسان مسیر زندگی خود را بر اساس زندگی او تعیین می‌کند. آدمی هرگز از اسوه و الگویی نیاز نیست و اگر نمونه‌ای واقعی نیابد، به نمونه‌ای بدلی سر می‌سپارد. از این رو حضرت علی (ع)

۱. سید مسعود اخوان کاظمی، «جایگاه و نقش رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه آن با قوانین اساسی دموکراسی‌های غربی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، س ۱، ش ۱، تابستان ۱۳۸۴، ص ۱۵۷-۱۵۶.
 ۲. محمدعلی برزنجویی، «بصیرت در ولایت‌پذیری»، *مطالعات سیاسی روز*، س ۹، ش ۳۵، بهار ۱۳۸۹، ص ۱۱۶.
 ۳. فاطمه ابراهیمی، همان، ص ۳۷۷.



می‌فرماید: «وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يُقْتَدَى بِهِ وَيَسْتَضِي بِنُورِ عِلْمِهِ»؛^۱ هر پیروی را امامی است که الگوی خویش می‌شناسد و از فروغ دانشش روشنی می‌یابد. رهبری انبیای الهی از دیدگاه قرآن کریم، هم مسائل سیاسی و اجتماعی و هم امور معنوی بشر را شامل می‌شود. شهید مطهری در این باره می‌گوید:

آنچه قرآن تحت عنوان رهبری از آن یاد می‌کند، مافوق رهبری‌ای است که بشریت می‌شناسد. رهبری‌ای که بشر می‌شناسد، از حدود رهبری در مسائل اجتماعی تجاوز نمی‌کند، ولی منظور قرآن از رهبری علاوه بر رهبری اجتماعی، رهبری معنوی یعنی رهبری به سوی خدا است و آن، خود حساب دقیق و حساسی دارد و از رهبری‌های اجتماعی بسی دقیق‌تر است.^۲

رهبری در فرهنگ شیعی، نه تنها زاییده شرایط و مقتضیات زندگی اجتماعی نیست بلکه یک احتیاج اصیل بشری است. این اندیشه به مبنای عقیدتی اسلام بازمی‌گردد زیرا اصل ضرورت رهبری را باید در جهان بینی اسلامی جست‌وجو کرد. موضوع رهبری مسلمانان پس از رحلت پیامبر اسلام، نخستین و مهم‌ترین مسئله‌ای بود که مورد بحث قرار گرفت و اکنون نیز ادامه دارد. متکلمان شیعی لزوم وجود امام معصوم را در میان مسلمانان، به ویژه پس از عصر رسالت پیامبر، از راه‌های گوناگون ثابت کرده‌اند. امامت در مکتب شیعی به عنوان یک اصل اعتقادی مطرح است و این منصب الهی، هم‌شان نبوت و نوعی ولایت الهی است که خداوند متعال به شخص امام می‌بخشد. بنابراین رهبری از دیدگاه تشیع، اعمال ولایت خداوند در زمین است و رهبر برای هدایت و رهبری حتماً باید از طرف خداوند متعال، بی‌واسطه یا با واسطه، اذن داشته باشد.^۳ به همین دلیل است که امام خمینی (ره) معتقد هستند که اصل رهبری و ولایت فقیه توسط خداوند تبارک و تعالی درست شده است و نقش هدایت و راهنمایی را بر عهده دارد.^۴ پست رهبری دینی در اندیشه سیاسی شیعه به عنوان ولی فقیه شناخته می‌شود. از محکومات اندیشه و مکتب و خط امام خمینی (ره)، اصل ولایت فقیه است. بر جسته شدن آموزه ولایت فقیه در دوره معاصر، ریشه در مجاهدت‌های حضرت امام (ره) دارد و

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران، آدینه سبز، ۱۳۸۸، نامه ۴۵، ص ۴۴۳.

۲. رک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۱۹.

۳. حسین شیدائیان، همان، ص ۲۷-۱۹.

۴. محمد رضا طالشیان احمدی، تحول مفهوم حاکم جائر در فقه سیاسی شیعه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۵.

ایشان ولایت فقیه را به عنوان نظام سیاسی مطلوب و الگوی مدیریت جامعه اسلامی بر اساس نظام ولایت شیعی در عصر غیبت در سراسر آثار و نوشته‌ها مطرح کردند. نقش محوری ولایت فقیه تشکیل حکومت اسلامی، تربیت جامعه اسلامی، پیاده کردن ارزش‌های بنیادینی چون عدالت، توجه به مصالح امت و انقلاب و اداره کشور و نیز وضع و اجرای قوانین و مقررات اسلامی در جامعه می‌باشد.^۱ با وجود این، نقش ولایت فقیه در حکومت اسلامی این چنین قابل توضیح است:

در نظام حکومتی اسلام همه چیز به رأس هرم باز می‌گردد. مشروعیت رئیس جمهور به نصب حاکم اسلامی است. امتیاز حاکم اسلامی که در رأس هرم

جامعه قرار دارد در آن است که نزدیک‌ترین و شبیه‌ترین فرد به امام معصوم (ع) در سه بعد علم، تقوی و مدیریت است و همه افراد آن جامعه اعم از فقیه و غیر فقیه و قاضی و غیر قاضی، باید مطیع او باشند، گویا امام معصوم در رأس حکومت است. البته میان معصوم و ولی فقیه تفاوت‌های بسیاری است. در فقه اسلامی اگر فقیه‌ای در موضوعی قضاوت کرد، فقیه دیگر حق نقض آن قضاوت را ندارد. در حقیقت قضاوت یکی از شئون حکومت است و بیانگر آن است که اگر حاکم اسلامی در موردی حکم صادر کرد، هیچ کس حق ندارد آن را نقض کند.^۲

رویکرد امام خمینی (ره) به مسئله رهبری، رویکردی ابزاری است و زمانی ارزشمند

یکی از روش‌های اثربخش در رهبری امام خمینی (ره)، تسخیر قلوب مردم بود. مدیریت قلوب توسط امام راحل بر مبنای شاخص‌های خدامحوری، داشتن انگیزه‌های الهی، مردم‌گرایی و تکلیف‌گرایی استوار بود. تلازم این عناصر، شیوه نوینی را در مدیریت ارائه داده است که اثربخشی آن در روش حکومت بر قلوب تأثیر بسزایی دارد. امام بر این باور هستند که سلامت مدیریت یک نظام، با تفاهم ملت و دولت تحقق می‌یابد و علت شکست دولت‌هایی که روش مدیرانشان بر سبک آمرانه مبتنی است، عدم تفاهم با ملت است؛ از این رو، یکی از شاخص‌های اصلی در ثبات سیاسی، رضایت مردم از حکومت و مدیریت جامعه تلقی شده است



۱. رمضان شعبانی سارویی، «مدل‌سازی خط امام»، مطالعات سیاسی روز، س ۹، ش ۳۵، بهار ۱۳۸۹، ص ۶۴.
۲. علی نجات‌بخشی اصفهانی و سجاد سمیع پور، «ابعاد رهبری حضرت امام خمینی (ره)»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی ابعاد رهبری حضرت امام خمینی (ره)، همان، ص ۹۴-۹۳.



است که هدفی والاتر یعنی خدمت‌رسانی را تعقیب کرده و در صدد تحقق آن هدف باشد. امام خمینی (ره) در این باب می‌فرماید:

رهبر و رهبری در ادیان الهی چیزی نیست که خود به خود ارزش داشته باشد... اساساً انبیا خدا مبعوث شدند برای خدمت به بندگان خدا، خدمت‌های معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور و خدمت به مظلومان و ستمدیدگان و اقامه عدل، عدل فردی و اجتماعی.^۱

امام خمینی (ره) برای رهبری چهار مفهوم اساسی بیان کرده‌اند که به قرار زیر است: رهبری یعنی خدمت و رهبر یعنی خادم، رهبری یعنی برادری و رهبر یعنی برادر، رهبری یعنی ایثارگری و رهبری یعنی ایثارگر، رهبری یعنی بصیرت و رهبری یعنی بصیر و هوشمند.^۲

نقش تاریخ‌ساز رهبری امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی

پویندگی و بالندگی انقلاب اسلامی از نقش تاریخ‌ساز و تحول‌آفرین ایدئولوگ این انقلاب حکایت دارد. درک نقش عمیق و سرنوشت‌ساز این ایدئولوگ از بعد رهبری سیاسی برای فروپاشی نظم سیاسی رژیم گذشته، در موقعیت تاریخی خاصی که دین و ارزش‌های دینی در جهان فقط در گوشه معابد، مساجد، کلیساها و کنیسه‌ها، آن هم زنگارزده متجلی بود حائز اهمیت خاص است. هانا آرنت در این زمینه می‌گوید:

شیعه بودن انقلاب و نیز رهبری آیت‌الله خمینی توانست حداکثر مردم را نسبت به تعداد کمی از شعارهای عمومی همچون استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی متفق‌الرأی نماید.^۳

مدیریت و رهبری انقلاب اسلامی تا پیروزی، مقابله مستقیم با قدرت سخت‌افزاری رژیم گذشته نکرد؛ بلکه آنچنان مبارزه و مقابله نرم‌افزاری محکمی با ابزارهای سیاسی نمود که توانست به نحو جدی، تمامی قدرت نظامی و سخت‌افزاری رژیم را فلج کند تا جایی که ارتش ایران نیز همچون کشورهای پیشرفته خود را از صحنه سیاست دور نگه داشت و یا حتی به حمایت از رهبری انقلاب و ملت ایران اقدام نمادین نمود. رهبری

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۶.

۲. حسن سعیدآبادی، «نگرشی بر تعاملات رهبر و پیرو در مکتب امام خمینی (ره)، مقایسه تطبیقی با سبک رهبری کاریماتیک»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی ابعاد رهبری حضرت امام خمینی (ره)، همان، ج ۲، ص ۳۶۷-۳۶۶.

۳. رک: حمید عنایت، «انقلاب اسلامی در ایران ۱۹۷۹»، ترجمه مینا منتظر لطف، فرهنگ و توسعه، س ۱، ش ۳، بهمن و اسفند ۱۳۷۱، ص ۱۰.

امام خمینی (ره): حکومت بر قلوب، یک حکومت شیرین است به خلاف حکومت بر ابدان که قلوب با آنها نباشد... شما کوشش کنید و به دوستان خود بگویید که قلوب مردم را به دست بیاورند، همان طوری که در صدر اسلام، قلوب مردم متوجه حکومت بوده است

امام، هنجارهای رژیم گذشته را به ناهنجار تبدیل نموده و نزدیکی مردم و نخبگان ملت را به هنجارهای رژیم، مساوی با حمایت از ظلم و ستم کرد. رهبری امام تا جایی نفوذ کرد که موقعیت جغرافیایی خاص ایران، پیشینه تاریخی و سیاسی ایران و حتی وجود قومیت‌های ایرانی متعدد با سابقه ذهنی (تفرقه بیانداز و حکومت کن) نیز کارساز نشد. رهبری صحیح امام خمینی (ره) به نوبه خود سازگاری فعالیت‌های درون انقلاب را با کارکرد ملت ایران،

همچنین ابزارهای مادی نزد ملت، نیازهای آحاد ملت و محیط جهانی را با خود به همراه داشت. ماهیت حرکت مردم و شکل اجرایی انقلاب اسلامی متأثر از نظام ارزشی حاکم بر آن نقش گرفته و این نقش توسط امام خمینی (ره) به خوبی ترسیم شده است. در این رابطه آمده است:

شیوه رهبری امام خمینی (ره) تابعی از ارزش‌های حاکم بر بافت این انقلاب بوده و البته چگونگی ماهیت عناصر تشکیل دهنده ملت ایران خود نوعی خاص از نظام ارزشی را اقتضا می‌کرده که این اقتضا به خوبی توسط امام خمینی (ره) شناسایی و به صورت کامل و جامع در عناصر رهبری امام از آن بهره گرفته شده است.^۱

در جریان انقلاب اسلامی ۵۷-۱۳۵۶ تنها شخصی که دارای خصوصیات یک رهبر انقلابی و ایده‌آل (شهامت، رفتار مبارزه‌جویانه و غیره) و مورد قبول اکثریت مردم بود، امام خمینی (ره) بودند که با شهامتی بی‌نظیر از سال‌ها پیش از انقلاب به صورت آشکار، در بیاناتی کوبنده به مبارزه پرداخته و بعدها به رغم کهولت سن، رفتاری مبارزه‌جویانه و پراثری داشتند. لذا در حد بالایی منطبق با ارزش‌های آن زمان اکثریت مردم بودند. علاوه بر آن، ایشان پیش از این، نقش بسیار مهم رهبر مذهبی را دارا بودند و تعداد بسیار زیادی پیروان از جان گذشته در نهاد مذهب، مردم و بالاخص بازاریان با ایشان همراه بودند.^۲

بدین ترتیب اکثریت قاطع مردم از امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب پیروی کرده

۱. محمدعلی مهدوی ظفرقندی، عناصر رهبری سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵، ص ۱۶-۱۰.

۲. محمدعلی مهدوی ظفرقندی، همان، ص ۲۳-۲۲.





امام همواره از تصمیم‌گیری به عنوان حق یاد می‌کردند و حضور خود و دیگران را در مقدرات و تصمیم‌گیری‌های سیاسی جامعه، تکلیف دینی و سیاسی تلقی و عدم اهتمام به امور کشور اسلامی و مسلمین را به منزله گناه و نافرمانی تعریف می‌کردند

و نقش رهبری ایشان جنبه هنجاری پیدا کرده بود و به عنوان هنجار گسترش می‌یافت. بدین معنی که اگر کسی قلباً راغب به پیروی از ایشان نبود، با وجود این جرئت پیدا نمی‌کرد پیروی نکند.^۱ به هر حال برای درک بهتر رهبری امام خمینی (ره) در روند انقلاب باید به شاخص‌های دیگری نیز توجه شود.

نقش‌های رهبری امام خمینی (ره)

با مروری گذرا بر مسیر مبارزات و حرکت‌های انقلاب اسلامی و همچنین نوشته‌های محققین، رهبری امام خمینی (ره) در انقلاب را می‌توان در سه نقش مورد مشاهده قرار داد:

امام خمینی (ره) به مثابه یک رهبری با خصال ویژه

با توجه به مطالعاتی که تاکنون در زمینه انقلاب اسلامی به عمل آمده است بسیاری از اندیشمندان بر نقش برجسته امام در پیروزی انقلاب تأکید داشته‌اند و تردیدی نیست که امام دارای بارزترین ویژگی‌های باطنی (فردی) و اجتماعی بودند و عشق و علاقه‌ای که مردم به ایشان داشتند به راحتی از شیفتگی توده‌های مردم نسبت به ایشان قابل مشاهده است. با تأمل بیشتر متوجه می‌شویم که رابطه امام و مردم قبل از آن که رابطه‌ای بر مبنای سلطه و قدرت کار یزمایی باشد رابطه‌ای بر اساس منطق و عقل‌گرایی بوده است. در طول دوران رهبری امام، هیچ دستوری از طرف ایشان صادر نشد مگر مقدمات لازم برای آمادگی ذهنی مردم فراهم شده و دلایل اتخاذ آن تصمیم به صراحت و با بیانی گویا برای مردم شرح داده شده باشد. لازم به ذکر است که این در شرایطی بود که با عشق و علاقه وافری که مردم به ایشان داشتند هر دستوری که می‌فرمودند برای آنان حجت بود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت:

علی‌رغم وجود همه ویژگی‌های یک رهبری با خصال ویژه در حضرت امام و با وجود علاقه وافر توده‌های مردم به ایشان، امام این اقتدار را وسیله استیلا و سلطه خود بر مردم یا پیروزی و تقلید کورکورانه آنها از

خود قرار نمی‌دادند.^۱

امام به مثابه مرجع تقلید

در بررسی زندگی سیاسی حضرت امام(ره) و دوران بیست و پنج ساله رهبری انقلاب اسلامی ملاحظه می‌گردد که به رغم برخوردار بودن ایشان از موقعیت مرجعیت و اینکه هر فتوایی را که صادر می‌کردند بی‌چون و چرا توسط مقلدین ایشان اطاعت می‌شد و ایشان در تمامی دوران مبارزات و رهبری انقلاب، تنها در موارد بسیار معدودی از چنین موقعیت و اختیاراتی استفاده کردند

الگوی سازماندهی امام مبتنی بر نظارت ولایی است که دارای مرکز و پیرامونی است. ساختاری با محوریت ولایت فقیه و متشکل از نهادهای انقلاب، قوای رسمی و سه‌گانه، نمایندگان ولی فقیه در نهادها، استان‌ها و مناسک دینی است که استخوان‌بندی و شاکله سازماندهی در اصول محور ولایت را با در نظر گرفتن شاخصه‌های اسلام، برادری، سلسله مراتب نوگرایی در تشکیلات، تشکیل می‌دهد

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت با آن که امام از اختیارات فوق‌العاده مرجعیت برخوردار بودند مع‌هذا از این توان برای پیشبرد اهداف رهبری انقلاب استفاده نکرده، بلکه آنچه مردم را به حضور در صحنه تشویق می‌کرد، نوعی دیگر از رابطه بین رهبری مردم که کمتر به آن توجه شده است بود و نوعی رابطه صرفاً عاشقانه و تعبدی کورکورانه نبود.

امام به مثابه مرشد و آگاهی‌دهنده

با مطالعه در زندگی امام و رابطه او با مردم در دوران‌های قبل و بعد از انقلاب به این نکته مهم برمی‌خوریم که امام در بیشتر مواقع نه فقط به عنوان یک رهبر کاربیزما و نه تنها به عنوان یک مرجع تقلید بلکه به عنوان یک معلم و مرشد نیز عمل می‌کرده است.^۲ بنابراین امام(ره) با درایت و بینش عمیق و کاربرد خویشتن مترصد حل مشکلات مردم و ارایه راهکارهای آگاهی‌بخش در مقابل آسیب‌ها و چالش‌های پیش‌رو بودند. ایشان با بهره‌گیری از تعالیم اسلامی و سیره ائمه سعی می‌نمودند تا مسیر و مقصد را به توده‌های مردم نشان دهند و در عین حال آگاهی‌های لازم را به آنها بدهند.

دوران رهبری امام خمینی(ره)

رهبری امام خمینی(ره) را به دوره‌های متفاوت می‌توان تقسیم کرد. این چهار دوره به شرح زیر هستند:

۱. علی‌اکبر احمدی و حسن عباس‌زاده، «بررسی و تبیین حکمرانی خوب از دیدگاه امام خمینی(ره)»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی ابعاد رهبری حضرت امام خمینی(ره)، همان، ج ۱، ص ۳۰۱-۳۰۰.
۲. همان، ص ۳۰۲-۳۰۱.





الگوی نظارت و کنترل امام پس از تبیین بایدها (تحقق جمهوری اسلامی و استقلال و آزادی) و تبیین شاخصها (قانون اسلام، قانون اساسی، رضایت مردم تا منافع مصالح جامعه) و توجه به ضرورت الگوسازی جدید از حکومت اسلامی بر اساس سیره عملی نبوی و علوی، با خودکنترلی به عنوان اساس الگوی نظارت و کنترل اسلامی آغاز می‌شود

دوره اول. ظهور امام خمینی (ره) به عنوان رهبر سیاسی - مذهبی و کسب مقبولیت سریع ایشان از طرف توده‌ها. این دوره با اعلامیه مخالفت با قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد و اوج شکوفایی آن در سخنرانی معروف ایشان در روز عاشورای ماه محرم و دستگیری و قیام ۱۵ خرداد بود و با تبعید ایشان به ترکیه که به دنبال مخالفت شدید کاپیتولاسیون تحمیلی امریکایی‌ها صورت گرفت و سازش و خیانت بعضی از روحانیون از جمله شریعتمداری به پایان رسید.^۱

دوره دوم. رهبری امام امت در این مرحله یک دوره فطرت طولانی پانزده ساله را می‌گذراند که با تبعید ایشان به ترکیه و عزیمت ایشان از نجف به پایان می‌رسد. در این دوره گرچه گاهی به مقتضای زمان و با توجه به حوادث و اتفاقاتی که در ایران رخ می‌داده، با انتشار اعلامیه‌ها و انجام سخنرانی‌ها نه تنها به مخالفت و مبارزه با رژیم ادامه دادند بلکه ارتباط معنوی خود را با مردم حفظ کرده و آنها را در این دوره ارشاد می‌کردند؛ لکن کار اصلی و مهمی که امام در این دوره انجام دادند این بود که به عنوان ایدئولوگ انقلاب با آغاز یک سری دروس حوزوی که به حکومت اسلامی یا ولایت فقیه مشهور است طرح اصلی حکومت بعد از انقلاب را ریخته و برای کسانی که تا آن زمان برایشان حکومت اسلامی نامفهوم و در ابهام بود، روشن کردند که درصدد چه نوع جامعه و حکومتی باشند.^۲ به عبارتی دیگر می‌توان مدعی شد:

امام طرح مبعث حکومت اسلامی را در اولین کتاب خود، کشف/سرر انجام دادند و بعد در سال ۱۳۴۸ در قالب سلسله درس‌هایی در نجف به این موضوع پرداختند که در کتاب ولایت فقیه یا حکومت/اسلامی جمع‌آوری شده است.^۳

دوره سوم. رهبری امام در این دوره، از زمانی آغاز شد که اولین جرقه‌های انقلاب در دی‌ماه ۱۳۵۶ در قم موجب شعله‌ور شدن آتش زیر خاکستر گردیده و دیری نگذشت

۱. فاطمه ابراهیمی، همان، ص ۳۸۳.

۲. همان.

۳. محمد پزشکی و دیگران، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، قم، دفتر نشر معارف اسلامی، ۱۳۸۳.

ص ۱۳۲-۱۳۱.



که هستی سیستم سیاسی حاکم بر ایران را سوزاند و برای همیشه بر نظام شاهنشاهی، خط بطلان کشید. در این دوره امام با تشخیص موقعیت و با بیداری مردم درنگ را جایز ندانسته و با هر چه بیشتر برافراشته ساختن پرچم رهبری انقلاب - که بر دوش داشتند - پیش تاختند و بدون سازش با رژیم و با درک صحیح از خواسته، اراده و توان مردم - که با شور و احساسات در صحنه تظاهرات و درگیری با مأموران دولتی حضور داشتند - عزم قاطع خود را در ادامه مبارزه بی‌امان تا سرنگونی رژیم شاه اعلام و دنبال کردند. شیوه رهبری امام (ره) در این دوره به سه شکل بود:

- از رخنه کسانی که سعی در نزدیک شدن به مقام رهبری داشتند جلوگیری کردند و بدین وسیله از هر نوع سوءاستفاده از موقعیت ایشان و دستاوردهای انقلاب جلوگیری نمودند.

- برخورد قاطع ایشان با مسائل و عدم سازش در راه تحقق اهداف مبارزه.
- با موقعیت مناسبی که در پاریس از نظر دسترسی به رسانه‌های گروهی دنیا به دست آمده بود امام از این موقعیت برای رساندن پیام به گوش مردم جهان حداکثر استفاده را نمود.

اوج دوره سوم رهبری امام خمینی (ره) زمانی بود که با خروج شاه از ایران و بازگشت ظفرمنده امام به آغوش مردم ضربان نبض و تپش قلب انقلاب به شدت رو به فزونی گرفت و روز ۱۲ بهمن که امام دستور استنکاف از رعایت حکومت نظامی را صادر کرد، آخرین ساعات عمر رژیم شاه بود.^۱

دوره چهارم: دوره سازندگی؛ این دوره که حساس‌ترین و مشکل‌ترین دوره رهبری انقلاب اسلامی بود، رهبر انقلاب به عنوان رهبر اجتماعی و رئیس حکومت می‌بایست کشتی هیجان‌زده انقلاب را به ساحل آرامش و سکون هدایت می‌کرد. در حالی که قدرت سیاسی و نظام طاغوتی سقوط کرده و میلیون‌ها انسان که در بند اسارت رژیم وابسته به بیگانه بودند از بند آزاد شده و امکان هر نوع هرج و مرج و خارج شدن حرکت از کنترل رهبری وجود داشت، رهبری انقلاب می‌بایست با قدرت و توانایی فوق‌العاده ضمن کنترل هیجان و احساسات توده‌های مردم و جلوگیری از هرج و مرج، همچون معماری توانا ساختمان جدید حکومت اسلامی را که طرح و ایده آن را قبلاً داده است بر ویرانه‌های حکومت ساقط‌شده بنا می‌نمود. در این دوره بود که هر گونه غفلت و بی‌دقتی می‌توانست موجبات سوءاستفاده از آزادی‌های داده‌شده، رخوت و انحراف در مسیر اصلی ایجاد کند.

۱. رک: منوچهر محمدی، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶.



ایشان در طول مدت متجاوز از ده سال پس از پیروزی انقلاب و تا زمان رحلت جانگداز خود، با رهبری‌های داهیبانه و اعجاز‌گونه خود نه تنها نظام نوپای اسلامی ایران را از انواع توطئه‌ها، انحرافات و مخاطرات محافظت کرد، بلکه با حل بسیاری از معضلات پیچیده ایدئولوژیک و فقهی که خود می‌توانست نظام را به بن‌بست بکشاند، موجبات تثبیت نظام و تداوم انقلاب را پس از خود نیز فراهم ساخت.^۱

رهبری امام خمینی (ره) و مدل مدیریت بر قلوب

یکی از روش‌های اثربخش در رهبری امام خمینی (ره)، تسخیر قلوب مردم بود. مدیریت قلوب توسط امام راحل بر مبنای شاخص‌های خدامحوری، داشتن انگیزه‌های الهی، مردم‌گرایی و تکلیف‌گرایی استوار بود. تلازم این عناصر، شیوه نوینی را در مدیریت ارائه داده است که اثربخشی آن در روش حکومت بر قلوب تأثیر بسزایی دارد. امام بر این باور هستند که سلامت مدیریت یک نظام، با تفاهم ملت و دولت تحقق می‌یابد و علت شکست دولت‌هایی که روش مدیرانشان بر سبک آمرانه مبتنی است، عدم تفاهم با ملت است؛ از این رو، یکی از شاخص‌های اصلی در ثبات سیاسی، رضایت مردم از حکومت و مدیریت جامعه تلقی شده است. امام جدایی حکومت و مدیریت را از ملت، موجب از بین رفتن رضایت عامه مردم می‌دانند و برخورد آمرانه را دلیل این جدایی ارزیابی می‌کنند.^۲ با این تفاسیر، مدل رهبری امام خمینی (ره) مدلی منحصر به فرد و مبتنی بر پیش‌فرض‌های دینی بوده است و یک روش مطلوب در رهبری را معرفی می‌کند که مدیریت بر قلوب نامیده می‌شود. امام راحل این روش از رهبری را حکومتی شیرین تلقی کرده و می‌فرماید:

حکومت بر قلوب، یک حکومت شیرین است به خلاف حکومت بر ابدان که قلوب با آنها نباشد... شما کوشش کنید و به دوستان خود بگویید که قلوب مردم را به دست بیاورند، همان طوری که در صدر اسلام، قلوب مردم متوجه حکومت بوده است.^۳

در این مدل، رهبر باید بتواند قلوب پیروان را تسخیر کرده و آنان را برای رسیدن به اهداف بسیج نماید. لازمه مدیریت بر قلوب، پذیرفتن حکومت الهی بر خویشتن است و لازمه این پذیرش، اصلاح رابطه خود با خدا است. در مدل مدیریت بر قلوب، عوامل

۱. فاطمه ابراهیمی، همان، ص ۳۸۴-۳۸۳.

۲. عباس شفیعی، استراتژی رهبری امام خمینی (ره)، تهران، عروج، ۱۳۸۴، ص ۸۹.

۳. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۷۹.

خدا محوری منشأ و مبدأ همه اصولی است که رهبران الهی جامعه خود را مبتنی بر آن نظام بخشیده و به آن مقصد متعالی هدایت می‌کنند. این اصلی است که دیگر اصول از آن مشتق گردیده است زیرا جامعه‌ای دینی است که بر محور خدا استوار است؛ که سبب ایجاد جهان بینی جدیدی است. امام (ره) محور و مدار همه امور را خدا می‌دانست و همه اهداف وی بر آن متمرکز بود

مختلفی مورد توجه قرار می‌گیرد: رابطه با خالق هستی و رابطه با مخلوق در هستی. نکته مهم اینکه لازم است رهبر هنگام توجه به مردم، از منظر الهی به آنها بنگرد نه منافع شخصی یا سازمانی. لذا عوامل الهی جنبه علتی پیدا کرده و در صورت عدم رعایت این جنبه، مدل دچار نقص شده و مدیریت بر قلوب اتفاق نمی‌افتد. در این مدل، مردم یکی از ارکان مهم مدیریت و حکومت بوده و اساساً انقلاب و حکومت دینی در پر تو حمایت‌های مردمی تحقق پیدا کرده است. از این رو مدیران و رهبران لازم است نوع نگاهشان به مردم، نگاه حاکم و رعیت نباشد، بلکه الگوی

روابط با رهبران الگوی هرم معکوس است. ملت و مردم در این مدل دارای ویژگی‌های زیر هستند: ایمان و تحول درونی، اسلام‌خواهی، بیداری و رشد دینی و سیاسی، الگوی ملل مستضعف جهان.^۱ به طور کلی، عوامل مهم در مدل مدیریت بر قلوب مشتمل بر موارد زیر است: انگیزه الهی، تکلیف‌مداری و مردم‌داری.

انگیزه الهی در یک طرف طیف و در جایگاه والاتر و برتر آن از نظر سلسله مراتب و مردم‌داری در طرف دیگر طیف و از نظر رتبه پایین تر از آن قرار دارد. عامل تکلیف‌مداری به دو عامل فرعی «تکلیف در برابر خدا» و «تکلیف در برابر مردم» تقسیم می‌شود.^۲ با توجه به این موضوع عامل تکلیف‌مداری در این پیوستار رهبری، از نظر رتبه بعد از انگیزه الهی و قبل از مردم‌داری قرار می‌گیرد. خاطر نشان می‌شود که عامل انگیزه الهی به اندیشه و تفکر رهبر، عامل تکلیف‌مداری به نگرش رهبر و مردم‌داری به رفتار رهبر مربوط می‌شود. از این رو، عوامل رهبری، بینشی، نگرشی و رفتاری‌اند. از سوی دیگر بعضی از عوامل مربوط به شخص رهبر و برخی مربوط به پیروان و مردم می‌شود. در عین حال در همه موارد نباید از عوامل انگیزه الهی غفلت کرد. با توجه به این نکته، در مقابل کار یا فعالیت یا خدمتی که برای مردم انجام می‌گیرد، انتظار هیچ گونه جبران وجود ندارد. بنابراین، مدیر یا رهبر خدماتی که می‌رساند هیچ چشم‌داشتی به جبران از سوی

۱. حسن سعدآبادی، همان، ص ۳۶۹-۳۶۸.

۲. عباس شفیعی، «رابطه مدل مدیریت بر قلوب و هرم معکوس در رهبری»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی ابعاد رهبری حضرت امام خمینی (ره)، همان، ج ۲، ص ۴۳۴.



افراد زیرمجموعه نداشته و اجر خود را فقط از خدا طلب می‌کند.^۱

رهبری امام خمینی (ره) و الگوی مدیریت سیاسی امام خمینی (ره)

هر چند در ظاهر، الگوی مدیریتی امام دارای اصولی مشابه با دیگر مکاتب مدیریتی است، ولی این عناصر تفاوت ماهوی با عناصر الگوهای مدیریتی مکاتب رایج غربی دارد که به آنها اشاره می‌شود:

برنامه‌ریزی

امام در برنامه‌ریزی خود از روش‌های علمی‌ای استفاده کرده است که به کارآمدی و پاسخگو بودن برنامه کمک کند و منافاتی با اسلام نداشته باشد، ولی با توجه به جامع‌نگری و هدف‌گذاری دین‌مدارانه و واقع‌نگری مصلحت‌جویانه و با نگرش عقلانی و شهودی به آینده بر اساس سنت‌های الهی، با تأکید بر وحدت رویه و مشورت با نخبگان و ضرورت بازنگری در برنامه با گذشت زمان پس از بررسی‌های لازم، به طراحی و برنامه‌ریزی در اداره جامعه اهتمام داشتند.

تصمیم‌گیری

امام همواره از تصمیم‌گیری به عنوان حق یاد می‌کردند و حضور خود و دیگران را در مقدرات و تصمیم‌گیری‌های سیاسی جامعه، تکلیف دینی و سیاسی تلقی و عدم اهتمام به امور کشور اسلامی و مسلمین را به منزله گناه و نافرمانی تعریف می‌کردند. استفاده از الفاظ تصمیم‌گیری، بارها در پیام‌ها و نامه‌ها، سخنرانی‌ها و مکتوبات امام قابل مشاهده است. الگوی تصمیم‌گیری امام مبتنی بر الگوی تصمیم‌گیری اسلامی، تصمیم‌گیری الهی - عقلانی است که طبق نظر نرمن مایر، ارزیابی کارآیی تصمیم، ضمن بالا بودن کیفیت، پذیرش مجریان را به همراه دارد.^۲

سازماندهی

الگوی سازماندهی امام مبتنی بر نظارت ولایی است که دارای مرکز و پیرامونی است. ساختاری با محوریت ولایت فقیه و متشکل از نهادهای انقلاب، قوای رسمی و سه‌گانه، نمایندگان ولی فقیه در نهادها، استان‌ها و مناسک دینی است که استخوان‌بندی و شاکله سازماندهی در اصول محور ولایت را با در نظر گرفتن شاخصه‌های اسلام، برادری، سلسله مراتب نوگرایی در تشکیلات، تشکیل می‌دهد. امام از سازمان‌های رسمی و غیر

۱. همان.

۲. اصغر افتخاری و ابوالحسن حسین‌زاده، «اصول و ارکان مدیریت سیاسی امام خمینی (ره)»، مطالعات انقلاب اسلامی، س ۸، ش ۲۶، پاییز ۱۳۹۰، ص ۳۳.

حضرت امام (ره) خواه در دوران مبارزه با طاغوت و خواه در دوران دفاع مقدس، با شجاعت و دلیری کم نظیری وارد صحنه مبارزه شد. به تعبیر یکی از عالمان، او ترس را ترساند که به دل‌های اولیای الهی راه نیابد. او هرگز نترسید و نترساند. این شجاعت و دلاوری، یادآور شجاعت‌های پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) در جنگ‌های صدر اسلام بود

رسمی، برای اهداف عالی نظام به نحو احسن و اکمل استفاده کرد و ارایه‌دهنده الگوی نوینی از سازماندهی همگانی در مدیریت سیاسی امروز بود.^۱

هدایت و رهبری

اولاً، قدرت نفوذ امام در جامعه و پذیرش رهبری ایشان از سوی مردم و مسئولان، بیش از همه مبتنی بر اتکای ایشان به اصول اسلام و احکام قرآن بود که به زبان ساده و به دور از هر گونه جمله‌ها و واژه‌های پیچیده و غامض برای مردم بیان می‌شد؛ در حالی که هیچ یک از مدیران و رهبران سیاسی معاصر دارای چنین اقتداری نبودند. ثانیاً، در

جایگاه نیابت امام زمان (عج)، به عنوان یک رسالت دینی، به بصیرت‌بخشی آحاد مردم و مسئولان با استفاده از تعلیم و تربیت اسلامی و توسعه آن، اطلاع‌رسانی سازنده و روشن، دمیدن روح احساس مسئولیت، خودباوری، کرامت و عزت در امت اسلامی می‌پرداخت و از جامعه عقب‌مانده، ناامید، ناآگاه و جاهل، جامعه‌ای فرهیخته، بصیر، روشن‌بین و با انگیزه ساخت که نمونه چنین رهبری را که با آموزه‌های دینی و انسانی به چنین توفیقی نایل آمده باشد، در جهان معاصر نمی‌توان یافت. ثالثاً امام با تکیه بر منابع مادی و معنوی (منابع معنوی نقش برجسته و مؤثرتری دارد) به انگیزش جامعه پرداخت و نقش محوری در حرکت انقلابی اداره جامعه بعد از پیروزی انقلاب ایفا کرد. این در حالی است که در مکاتب رایج مدیریتی، به عوامل مادی بیشتر توجه می‌شود تا عوامل معنوی و در مواردی که به عوامل معنوی توجه شده، تک‌بعدی بوده است، نه چندبعدی. رابعاً، الگوی ارتباطی امام در جامعه مبتنی بر عوامل معنوی بود که اعتبار شخصیت فرستنده، اعتبار پیام و اثرگذاری کانون‌ها و کانال‌های ارتباطی و دریافت پیام به وسیله گیرندگان بصیر و آگاه و با انگیزه را به روشنی ترسیم می‌کرد. ویژگی‌های امام از جمله تیزهوشی، جامعیت علمی، تواضع و صداقت، قدرت بیان و بصیرت، شخصیتی معتبر و جذاب را برای کسانی می‌ساخت که با ایشان مرتبط بودند. پر واضح است که الگوی ارتباطات امام

۱. اصغر افتخاری و ابوالحسن حسین‌زاده، همان، ص ۳۴.

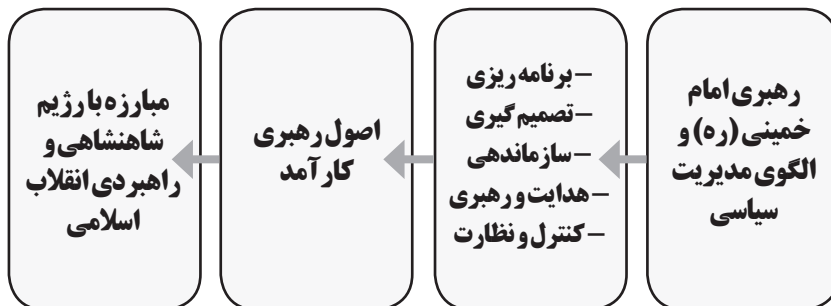




از نظر ماهیت، با الگوهای رایج ارتباطی در مدیریت تفاوت اساسی دارد.^۱

کنترل و نظارت

الگوی نظارت و کنترل امام پس از تبیین بایدها (تحقق جمهوری اسلامی و استقلال و آزادی) و تبیین شاخص‌ها (قانون اسلام، قانون اساسی، رضایت مردم تا منافع مصالح جامعه) و توجه به ضرورت الگوسازی جدید از حکومت اسلامی بر اساس سیره عملی نبوی و علوی، با خودکنترلی به عنوان اساس الگوی نظارت و کنترل اسلامی آغاز می‌شود. خودکنترلی مبتنی بر خداحاضری و خداناظری، بازگشت اعمال در قیامت، ارزش‌های والای انسانی، وجدان و غیره می‌باشد که تکلیف رفتار انسان را مشخص می‌کند و هر کس بهترین ناظر اعمال خویش است و با تحقق این عامل، دیگر نیازی به سیستم‌های کنترل بیرونی نیست ولی این آرمان در عالم واقع امکان‌پذیر نیست. از این رو امام توجه به نظارت همگانی با ارشاد (به عنوان یکی از ضروریات دین) را محور بعدی نظارت قرار داده و نظارت مستقیم و غیر مستقیم، با بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی مختلف به همراه اقدامات اصلاحی در صورت نیاز را مورد توجه قرار دادند.^۲



اصول (ویژگی‌های) رهبری امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی

امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، رهبری خود را بر اصول و مبانی ناب اسلامی پایه‌گذاری کردند. ایشان پس از فراگیری تعالیم ناب اسلامی و کسب تجربه از مبارزات مصلحان پیش از خود و توجه به علت موفقیت‌ها و ناکامی‌ها و شناخت نقاط

۱. همان.

۲. اصغر افتخاری و ابوالحسن حسین‌زاده، همان، ص ۳۵.

دل آرام و قلب مطمئن حضرت امام(ه) پیامد ایمان محکم و اعتقاد راسخ به دریای بیکران الطاف الهی بود. طمأنینه‌ای که حوادث ناگوار و کمر شکن قادر به تزلزل و در هم شکستن آن نبود. حضرت امام(ره) عالم را محضر حق تعالی می‌دید و به الطاف و عنایات الهی اعتماد داشت و مصداقی از آیه «الا بذکر الله تطمئن القلوب» بود و این عنصر مهم تأثیری شگرف در تصمیم‌گیری‌های ایشان در رهبری دفاع مقدس داشت

قوت و ضعف آنها، اهداف و برنامه‌های خود را بر اصولی استوار ساخت که کمتر کسی می‌توانست آن ویژگی و اصول را هماهنگ با هم در خود جمع کند، در نتیجه به پیروزی شکوهمند ایران اسلامی و خصوصاً احیای مجدد اسلام در قرن حاضر انجامید. با این تفاسیر اصول رهبری امام خمینی(ره) به شرح زیر می‌باشد:

خدا محور

اولین ندای جان‌بخش امام خمینی(ره) ندای فطرت و آزادی است که آدمی را از یوغ غیر، جدا ساخته و به حقیقت رهنمون می‌سازد. آزادی خواهانی که سالیان سال، در قرون متمادی

آرزوی پاسخ دادن به فطرت پاک خود را داشتند این حقیقت را از زبان حکیمی شنیده و به آن لبیک گفتند تا حماسه حسینی دیگری خلق کنند و از بند شهوت پرستان پلید آزاد گردند. خدا محور منشأ و مبدأ همه اصولی است که رهبران الهی جامعه خود را مبتنی بر آن نظام بخشیده و به آن مقصد متعالی هدایت می‌کنند. این اصلی است که دیگر اصول از آن مشتق گردیده است زیرا جامعه‌ای دینی است که بر محور خدا استوار است؛ که سبب ایجاد جهان بینی جدیدی است. امام(ره) محور و مدار همه امور را خدا می‌دانست و همه اهداف وی بر آن متمرکز بود. امام خمینی(ره) در راستای آیه ۴۶ سوره مبارکه سبأ معتقد بودند انجام هر کاری فقط باید برای خدا باشد، فقط برای خدا قدم برداشت، اگر در این راه، یک جماعت همراهی کنند بهتر و اولی است، و گرنه در صورت عدم همراهی مردم نباید سکوت کرد و بایست در مقابل ظلم و بیدادگری ایستاد. امام(ره) قیام برای خداوند را تنها راه اصلاح جهان می‌دانند؛ همچنین ایشان عامل تیره‌روزی را قیام برای منافع شخصی می‌دانند. امام از ابتدا همه کارها را برای خدا می‌دانست و برای غیر او وجود مستقلی قائل نبود، به نام خدا و اتکال او، کارها را شروع و به انجام می‌رساند. رمز موفقیت و پیروزی ایشان، رنگ خدایی داشتن کارهایش بود. امام خمینی(ره) همراهی و عدم همراهی با خدا را عامل شکست و پیروزی می‌دانستند.^۱

۱. رضا حاجیان حسین آبادی، «اصول رهبری امام خمینی(ره)»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی ابعاد رهبری حضرت امام خمینی(ره)، همان، ج ۲، ص ۲۸۵-۲۸۴.



شجاعت و دلاوری

از ویژگی‌های مهم اخلاقی برای رهبران و فرماندهان، شجاعت و دلاوری است. این خصلت نقش حساسی را در ترغیب نیروهای رزمی به جنگ و پیروزی بر دشمن ایفا می‌کند. حضرت امام (ره) خواه در دوران مبارزه با طاغوت و خواه در دوران دفاع مقدس، با شجاعت و دلیری کم‌نظیری وارد صحنه مبارزه شد. به تعبیر یکی از عالمان، او ترس را ترساند که به دل‌های اولیای الهی راه نیابد. او هرگز نترسید و نترساند. این شجاعت و دلاوری، یادآور شجاعت‌های پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) در جنگ‌های صدر اسلام بود.^۱ هنگامی که وزیر دفاع امریکا علناً تهدید کرده بود که امریکا در این جنگ هر زمانی که صلاح بداند از دوستان عرب خود پشتیبانی خواهد کرد، حضرت امام (ره) در پاسخ به این گونه تهدیدهای نظامی دشمنان فرمودند که اگر آنها بخواهند تعدی بکنند ما تا آخرین نفرمان می‌ایستیم و در مقابل آنها ایستادگی می‌کنیم.^۲

طمأنینه

دل آرام و قلب مطمئن حضرت امام (ه) پیامد ایمان محکم و اعتقاد راسخ به دریای بیکران الطاف الهی بود. طمأنینه‌ای که حوادث ناگوار و کمرشکن قادر به تزلزل و در هم شکستن آن نبود. حضرت امام (ره) عالم را محضر حق تعالی می‌دید و به الطاف و عنایات الهی اعتماد داشت و مصداقی از آیه «لا بذکر الله تطمئن القلوب» بود و این عنصر مهم تأثیری شگرف در تصمیم‌گیری‌های ایشان در رهبری دفاع مقدس داشت. واکنش ساده و آرام امام (ره) در برابر هجوم سراسری دشمن به کشور ایران بارزترین نمونه این طمأنینه بود که فرمودند یک دزدی آمده یک سنگی انداخته و فرار کرده، فرماندهان و طراحان عملیات‌های جنگ پس از روزها مطالعه، شناسایی و بررسی امکانات و تجهیزات و تهیه راه کارهای عملیاتی و نظامی باز هم به هنگام اجرای عملیات‌های مهم اضطراب و نگرانی خویش را از سرانجام عملیات و عدم اطمینان از موفقیت آن را پنهان نمی‌کردند و به نفس مطمئنه امام پناه می‌جستند.^۳

تواضع و فروتنی

شخصیت عظیم و معنوی حضرت امام (ره)، مهم‌ترین عامل در تحول معنوی و روحی ملت ایران و رزمندگان جبهه‌های نور علیه ظلمت در هشت سال دفاع مقدس بود. حضور پرشور جوانان در عرصه جهاد و شهادت، گرایش توده مردم و نوجوانان به

۱. حسین شیدائیان، همان، ص ۶۱.

۲. رضا حاجیان حسین‌آبادی، همان، ص ۲۹۶.

۳. همان.

انگیزه امام از ورود در عرصه سیاست و بر عهده گرفتن مسئولیت و رهبری یک انقلاب بزرگ، تنها انجام تکلیف الهی بود و همچنین این انگیزه موجب شد که بسیاری از آفات و آسیب‌هایی که تهدیدکننده رهبران جنبش‌ها و نهضت‌های مردمی است از بین برود

ارزش‌های انسان‌ساز و متعالی اسلام و شکوفایی این ارزش‌ها در جبهه‌های جنگ، همه در پرتو رهنمودها و راهنمایی‌های پیامبرگونه عارف و عالمی وارسته و استکبارستیز که مراحل و مدارج عالی سیر و سلوک را پیموده، صورت گرفته است. اما خصلت تواضع و فروتنی امام (ره) هیچ‌گاه اجازه نمی‌داد که از کار خود سخن به میان آورد و خویش‌تن را یک خدمت‌گذار معرفی می‌کرد. هرگاه در جمع رزمندگان حضور می‌یافت خود را خجل‌زده معرفی می‌کرد و خود را

از خیل مشتاقان جنگ و شهادت عقب‌مانده می‌دانست. اوج مرتبه و عالی‌ترین درجه تواضع و فروتنی امام (ره) نسبت به رزمندگان جمله معروفی است که در وصف دلاوری نوجوان شهید، حسین فهمیده بیان نموده‌اند که:

رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با قلب کوچک خود، که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگ‌تر است، با نارنجک خود رازیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و شربت شهادت نوشید.^۱

حقانیت و منطقی بودن مواضع

مواضع سیاسی و شعارهای انقلابی امام در هر مقطعی، برخاسته از متن نیاز جامعه و کاملاً مستدل و قابل قبول بود. در اتخاذ این مواضع آنچه برای امام مهم بود مبانی مسلم شرعی در چهار چوب مستدل و منطقی آن مواضع و شعارها بود، نه ملاحظات محافظه‌کارانه یا رادیکال‌نخبگان جامعه نمی‌توانستند در برابر استدلال‌های محکم، شفاف و مبتنی بر بدیهیات عینی، نقض یا نقصی بر آن وارد سازند. بنابراین درک عمومی جامعه از موضع‌گیری‌ها و روش سیاسی امام (ره) حاکی از آن بود که این مواضع، پخته، جدی، منطقی و مبتنی بر استدلال و کاملاً منطبق با نیاز و مصلحت عمومی انقلاب و جامعه و همچنین متکی بر اصول، مبانی و ارزش‌های اسلامی است.^۲

صداقت و خلوص سیاسی

آنچه امام (ره) راز دیگران متمایز می‌ساخت و حتی برای کسانی هم که با مشی ایشان موافق نبودند نیز احترام و تحسین به همراه داشت، خلوص سیاسی و عدم شائبه‌های

۱. گیتی امامی، «زندگی عرفانی و رهبری امام خمینی (ره)»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی ابعاد رهبری حضرت امام خمینی (ره)، همان، ج ۱، ص ۱۴۲.
۲. علی‌اکبر احمدی و حسن عباس‌زاده، همان، ص ۲۹۶.





یکی از مهم‌ترین عناصر اندیشه سیاسی امام تأکید بر نظارت درونی است. از منظر ایشان، قدرت فی نفسه خیر است و خداوند از آنجا که قادر مطلق است دارای کمال مطلق می‌باشد. از این رو گرایش انسان به قدرت، نوعی کمال‌جویی و سیر به سوی کمال مطلق است. امام قدرت را در صورتی خطرناک و تهدیدی برای جامعه می‌دانستند که در دست اشخاص غیر مهذب باشد و بدین ترتیب، فساد هم‌ناشی از همین قدرتمندان بدون تقوا است

مختلف علیه نظام را خنثی ساخت.^۱

قاطعیت و استواری در رفتار سیاسی

نتیجه طبیعی منطقی بودن مواضع، تصمیمات و نیز تکلیف‌مداری، ایستادگی برای رسیدن به اهداف و تحقق برنامه‌هاست. امام در مقاطع حساس و سرنوشت‌سازی با استواری و قاطعیت آنچه را تشخیص داده بود، بی‌پروا و شجاعانه دنبال می‌کرد و از آنجا که متکی بر پشتوانه قوی ایمان و انگیزه الهی بود، هرگز دچار سستی و تردید نمی‌شد. نمونه‌های بارزی از این استحکام و قاطعیت وجود دارد که تحلیل و بررسی موشکافانه هر کدام با توجه به همه شرایط و واقعیات آن دوران، انسان را به شگفتی وامی‌دارد.^۲

تریبیت نیروهای متفکر و انقلابی

از ضرورت‌های هر ستاد یا سازمان مستقلی وجود نیروهای متخصص برای اداره آن می‌باشد. حال برای اداره کشور و سرزمینی پهناور، این نیاز بیشتر خواهد بود و متفکرانی برای برنامه‌ریزی‌های کلان و نظریه‌پردازی برای الگوسازی و تشکیل نهادهای اجتماعی و پایه‌های نظام سیاسی لازم است. لیکن امام (ره) خود، طرح حکومت ولایی-اسلامی و حکومتی که در رأس آن مجتهد جامع‌الشرایط و فقیه آشنا به احکام اسلامی باشد و نظام حکومتی اسلام که علاوه بر قانون‌گذاری، مجری آن باشد، بررسی کردند و رایحه

قدرت‌طلبانه در ایشان بود. اساساً فضای بینشی امام درباره مقوله سیاست، با آنچه در ذهن بسیاری از فعالان برجسته و مشهور سیاسی وجود داشت، متفاوت بود. انگیزه امام از ورود در عرصه سیاست و بر عهده گرفتن مسئولیت و رهبری یک انقلاب بزرگ، تنها انجام تکلیف الهی بود و همچنین این انگیزه موجب شد که بسیاری از آفات و آسیب‌هایی که تهدیدکننده رهبران جنبش‌ها و نهضت‌های مردمی است از بین برود. وجود همین ویژگی در امام بوده است که تغییر مواضع بخش قابل توجهی از افراد مخالف را به دنبال داشت و در نتیجه توطئه‌های

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۹۷.

دادند. ایشان علاوه بر آن با تربیت شاگردان و متفکرانی زبده، چون شهید بهشتی، شهید مطهری و غیره، اساس و ایدئولوژی انقلاب را پایه‌گذاری کردند و پس از انقلاب نیز با تشکیل نهادهای انقلابی ارکان نظام را استحکام بخشیدند. از کارهای مهم امام، نیروپروری و تربیت کادر انقلابی و متفکر بود و امام در این راستا احکام زیادی به افراد می‌دادند تا در حل و عقد امور، یاری‌گر اسلام و مسلمین باشند. امام مکرراً به امر تربیت نیروهای مخلص تأکید داشتند و می‌فرمودند که مواظب باشید اعمالتان، اعمال صالح باشد.^۱

آینده‌نگری

از اصول عملی امام (ره) در طی سال‌های قبل از انقلاب و بعد از آن، نگاه به آینده است. ایشان هیچ‌گاه از برنامه‌ریزی برای آینده غافل نبود. همین نکته بود که امام را به نوشتن کتب زیادی برای تهذیب فردی و اجتماعی و غیره واداشت. ایشان برای بنیان پایه‌های حکومت اسلامی با نوشتن کتب مختلف از جمله کتاب ولایت فقیه، پایه‌های تشکیل حکومت الهی و اسلامی را بنیان نهاد و با بحث‌های متعدد، طرح اصلاحی و انقلابی خود را با جدیت دنبال کرده و به فکر تربیت شاگردانی برای آینده نهضت تلاش کردند.^۲

نقد و انتقادپذیری

یکی از مهم‌ترین عناصر اندیشه سیاسی امام تأکید بر نظارت درونی است. از منظر ایشان، قدرت فی نفسه خیر است و خداوند از آنجا که قادر مطلق است دارای کمال مطلق می‌باشد. از این رو گرایش انسان به قدرت، نوعی کمال‌جویی و سیر به سوی کمال مطلق است. امام قدرت را در صورتی خطرناک و تهدیدی برای جامعه می‌دانستند که در دست اشخاص غیر مهذب باشد و بدین ترتیب، فساد هم ناشی از همین قدرتمندان بدون تقوا است. با تأکید بر اهمیت نظارت درونی، امام به اهمیت نظارت بیرونی بی‌توجه نیست و همواره بر نظارت مردم بر حکومت تأکید می‌کنند که نشان از پیوند آرمان‌گرایی با واقع‌گرایی در اندیشه ایشان است. از منظر امام (ره) نظارت بیرونی باید از سوی مردم اعمال شود تا مانع انحراف دولت از مسیر اسلامی و انسانی شود، چون یکی از عوامل تباهی و فساد سیاسی، عدم نظارت مردم بر عملکرد دولت است. این نظارت بر عملکرد همه دستگاه‌ها، اعم از اجرایی و قانون‌گذاری، قضایی و همراه با نقد آن می‌باشد و حتی حق فرد افراد اعضای جامعه اسلامی است و رؤسای جامعه و نیز عالی‌ترین مقام آن یعنی

۱. رضاحاجیان حسین‌آبادی، همان، ص ۲۸۷.

۲. همان، ص ۲۸۸.



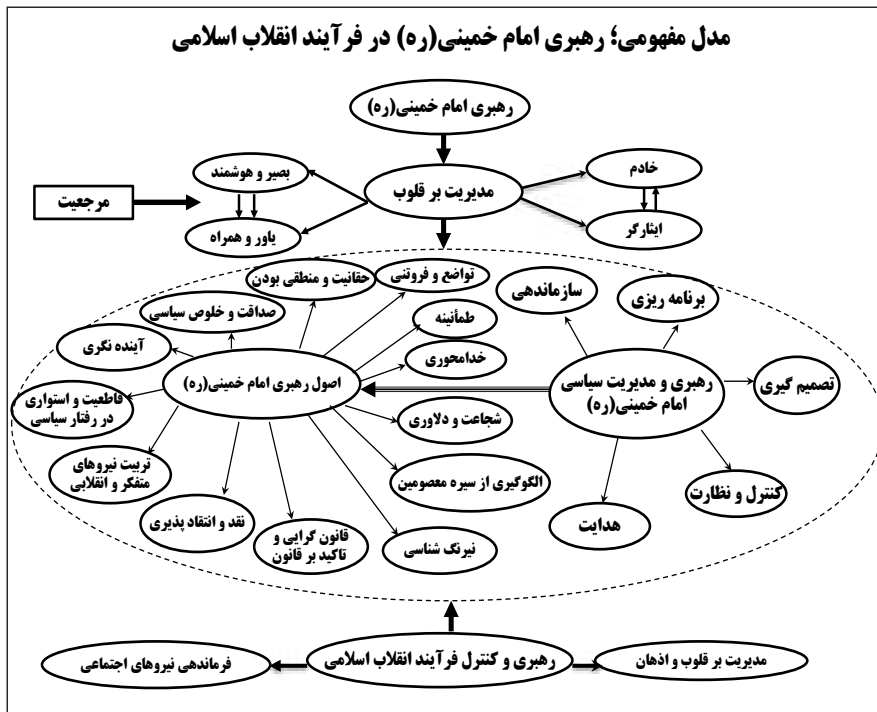
رهبر، باید در قبال آن پاسخگو باشند.^۱

قانون‌گرایی و تأکید بر قانون

در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) آنچه بر همه حاکمیت دارد قانون است و هیچ کس از حاکمیت قانون بیرون و فراتر از قانون و فوق قانون نیست. از این دیدگاه، نظام اسلامی، نظام حاکمیت قانون است. نظامی که در آن همه چیز و همه کس تابع قانون است و نه اینکه حکومتی تابع رأی و آرای شخصی و خودسری باشد. در اندیشه امام، معیار همه امور، میزان همه کارها، مبنای عمل همه اشخاص، سازمان‌ها و نهادهای یک جامعه قانون است و آنچه سلامت امور و پیشرفت کارها، صلاح و سامان فرد و جامعه را تأمین می‌کند قانون‌گرایی است.^۲

الگوگیری از سیره معصومان

تأسی به سیره عملی و نظری پیامبر اسلام و امامان معصوم (ع) قوی‌ترین انگیزه‌ای



۱. علی‌اکبر احمدی و حسن عباس‌زاده، همان، ص ۳۰۰.

۲. همان.

است که امام خمینی (ره) در آغاز قیام و انقلاب اسلامی، تشکیل حکومت جمهوری اسلامی و رهبری دفاع مقدس به آن تمسک می‌جست. امام نه تنها از معصومان (ع) به عنوان بهترین الگو و اسوه پیروی می‌کردند، بلکه سیره آنان را برای خویشتن حجت شرعی می‌دانستند و در احتجاج با مخالفان مبارزه علیه رژیم ستم‌شاهی و استکبار جهانی، روش عملی پیامبر گرامی اسلام، حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) در رویارویی با کفار و دشمنان داخلی را مطرح می‌کرد.

استقامت امام در برابر فشارها و تهدیدهای دشمنان، صبر و تحمل در دوران تبعید و ایستادگی در برابر فشارها و تهدیدهای دشمنان، صبر و تحمل در دوران تبعید و ایستادگی در برابر ناملاپمات، دستاورد پیروی ایشان از سیره عملی امامان معصوم (ع) بود. در نخستین روزهایی که ملت ایران جنگ ناخواسته را تجربه می‌کرد، امام با اشاره به تاریخ صدر اسلام و جنگ‌های پیامبر و حضرت علی (ع) به ملت ایران دل‌داری می‌دادند.^۱

نتیجه‌گیری

امام خمینی (ره) به عنوان نظریه‌پرداز نهضت، رهبر انقلاب، و بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی ایران، نقش بسزایی در تحقق این امر بر عهده داشت. تا هنگامی که امام خمینی (ره) رهبری کشتی طوفان‌زده انقلاب را بر عهده داشت و آن را در مقابل چالش‌های متعدد، مانند درگیری‌های داخلی، خیزش‌های قومی و منطقه‌ای، کودتاها، متوالی، جنگ تحمیلی و تحریم‌های دیپلماتیک و اقتصادی رهبری می‌کرد، و نیروهای انقلابی درگیر این مشکلات بودند، مجال چندان برای تعیین ابعاد گوناگون انقلاب اسلامی و نقش ایشان در این فرآیند، برای نیروهای انقلاب فراهم نبود. اما پس از فروکش کردن بحران‌ها و استقرار نظم و امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، این زمینه فراهم گشت. امام خمینی (ره) در مسیر انقلاب مترصد بودند بر قلوب و اذهان حکومت کنند؛ به همین دلیل شیوه مدیریت قلوب ایشان بسیار کارساز و کارآمد بود. رهبری صحیح امام خمینی (ره) به نوبه خود سازگاری فعالیت‌های درون انقلاب را با کارکرد ملت ایران، همچنین ابزارهای مادی نزد ملت، نیازهای آحاد ملت و محیط جهانی را با خود به همراه داشت. ماهیت حرکت

۱. حسین شیدائیان، همان، ص ۹۸-۱۰۰.





مردم و شکل اجرایی انقلاب اسلامی متأثر از نظام ارزشی حاکم بر آن نقش گرفته و این نقش توسط امام خمینی (ره) به خوبی ترسیم شده است. شیوه رهبری امام خمینی (ره) تابعی از ارزش‌های حاکم بر بافت این انقلاب بوده و البته چگونگی ماهیت عناصر تشکیل‌دهنده ملت ایران خود نوعی خاص از نظام ارزشی را اقتضای کرده که این اقتضا به خوبی توسط امام خمینی (ره) شناسایی و به صورت کامل و جامع در عناصر رهبری امام از آن بهره گرفته شده است. رهبری امام خمینی (ره) در سه دوره قابل بررسی است؛ امام خمینی (ره) به مثابه یک رهبر با خصال ویژه، رهبری به مثابه مرجع تقلید و دوران رهبری بر انقلاب اسلامی. البته دوران رهبری عملی امام خمینی (ره) به چهار دوره قابل دسته‌بندی است که از دوره اول، یعنی از ۱۶ آذر ۱۳۴۱ (جریان تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی) شروع می‌شود تا دوره چهارم که سخت‌ترین دوره رهبری ایشان بود و زمان هدایت انقلاب اسلامی و بعد از تحولات سال ۱۳۵۷ را شامل می‌شود. الگوهای مدیریت سیاسی امام خمینی (ره) شامل موارد پنج‌گانه: برنامه‌ریزی، هدایت و رهبری، تصمیم‌گیری، سازماندهی و نظارت و کنترل می‌باشد. امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، رهبری خود را بر اصول و مبانی ناب اسلامی پایه‌گذاری کردند. ایشان پس از فراگیری تعالیم ناب اسلامی و کسب تجربه از مبارزات مصلحان پیش از خود و توجه به علت موفقیت‌ها و ناکامی‌ها و شناخت نقاط قوت و ضعف آنها، اهداف و برنامه‌های خود را بر اصولی استوار ساختند که کمتر کسی می‌توانست آن ویژگی و اصول را هماهنگ با هم در خود جمع کند، در نتیجه به پیروزی شکوهمند ایران اسلامی و خصوصاً احیای مجدد اسلام در قرن حاضر انجامید. با این تفاسیر اصول رهبری امام خمینی (ره) به شرح زیر می‌باشد: پیروی از راه انبیا، آینده‌نگری، بهره‌گیری از سیره معصومین، نظم و انضباط، حقانیت و منطقی بودن تصمیمات، قاطعیت، طمأنینه، قانون‌گرایی، تربیت نیروهای انقلابی، نیرنگ‌شناسی، قاطعیت و استواری در تصمیمات سیاسی، تواضع و فروتنی، نقدپذیری، خلوص سیاسی، خدامحوری، شجاعت و دلاوری و مسائلی از این دست.